



بیانات مقام معظم رهبری در مراسم پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام (ره) - 14 خرداد/ 1373

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا محمد و علي آله الأطيبين الأطهريين المنتجبين، الهداة المهديين المعصومين، سيما بقیة الله في الارضين.

قال الله الحكيم في كتابه: «بسم الله الرحمن الرحيم، ومن يأتيه مؤمناً قد عمل الصالحات فأولئك لهم الدرجات العلى، جناتٌ وعدنٌ تجري من تحتها الأنهار خالدین فيها و ذلك جزاءٌ من تزکی.»

پنجمین سالگرد رحلت امام بزرگوار را به همه مسلمانان حق طلب عالم، بخصوص به ملت عزیز و عظیم الشان ایران تسلیت عرض می کنم. همچنین به همه کسانی که در طول این پنج سال، راه امام را همچون خط روشن زندگی خود برگزیده اند و به آن افتخار و مباهات کرده اند، و به مخلصین و شاگردان و پیروان راستین آن بزرگوار - که در میان ملت ما و دیگر ملتها، عده این قبیل اشخاص، کم هم نیست - صمیمانه تسلیت می گویم. نیز لازم می دانم به خاندان محترم و معزز امام راحل و مجموعه فداکاری که در سالهای آخر زندگی پربرکت آن مرد بزرگ مسؤولیت بسیار بزرگ و سنگین خدمت به آن انسان والا را بر دوش گرفت و آن را به بهترین وجه به انجام رساند؛ مخصوصاً به فرزند برومند عزیز ایشان جناب آقای «حاج سید احمد» آقا صمیمانه تسلیت بگویم.

امروز، در این جلسه با عظمت و پرشور، چند مطلب را به مناسبت یاد عزیز این بزرگوار، به عنوان محورهای اساسی برای پیگیری و مطالعه و تدبیر، مطرح می کنم. اول از شخص امام آغاز می کنم. اگرچه درباره امام، گویندگان گفته اند، نویسندگان نوشته اند و سراینندگان سروده اند؛ لکن من امروز در ذهنم، مضمون دو آیه مبارکه سوره «طه» را که قرائت شد، با شخصیت امام بزرگوار، تطبیق کردم. در امام عزیز، سه خصوصیت درخشان وجود داشت که همان سه خصوصیت، در این دو آیه شریفه هم مطرح شده است. در آیه اول می فرماید: «و من يأتيه مؤمناً قد عمل الصالحات.» ایمان، خصوصیت اول و عمل صالح، خصوصیت دوم است. در پایان آیه دوم، خصوصیت سوم هم در عبارت: «وذلك جزاءٌ من تزکی» ذکر شده است که خصوصیت تزکیه و تهذیب نفس است. قرآن کریم برای کسی که دارای این خصوصیات است، وعده درجات «علی» داده است: «فأولئك لهم الدرجات العلی.»

این سه خصوصیت در امام بزرگوار برجسته بود. ایمان آن مرد بزرگ، نمونه و استثنایی بود. عمل صالح او، عملی بود که بعد از صدر اسلام تا امروز، کسی آن را انجام نداده است. یعنی تشکیل نظام اسلامی، که امروز اندکی به آن خواهیم پرداخت. تزکیه او هم، چنان بود که در اوج شهرت و قدرت و محبوبیت، اوج عبودیت را برای خود انتخاب کرد و هر روز که گذشت، بر الحاح و تضرع و توسل او به خدای بزرگ، افزوده شد.

این سه خصوصیت، در امام بزرگوار وجود داشت. پس، حق است که گفته شود: او از جمله کسانی است که «اولئك لهم الدرجات العلی.» این علو مرتبه ای که امروز شما در سراسر جهان، برای امام بزرگوار مشاهده می کنید ناشی از این خصوصیات سه گانه است. هر جا انصاف هست، امام در آن جا بزرگ است. هر جا عدالتخواهی هست، آن جا امام زیباترین چهره است. آن جا که به امام خمینی بزرگوار ما بی ارادتی می شود، عدل نیست، انصاف نیست، حق طلبی نیست؛ بلکه دنیاخواهی و فساد است. این سه خصوصیت مربوط به امام بزرگوار است که امروز محور سخن ما هم، امام عظیم الشان است.

همان طور که گفتیم، عمل صالح یکی از این سه خصوصیت است. عمل صالح امام، پایه ریزی حکومت اسلام و نظام اسلامی بود. خوب است برادران و خواهران ارجمند توجه کنند، تا این اهمیت و عظمتی که عمل صالح امام از آن برخوردار است، به درستی در ذهن آنان بنشیند. امام بزرگوار ما، نظام اسلامی را تشکیل داد؛ یک نظام اسلامی که بر اساس آن یک حکومت و تشکیلات سیاسی اسلامی هست و پشت سر آن هم یک برنامه اسلامی قرار دارد. هر سه



نقطه درخور توجه و تعمق است.

نظام اسلامی ای که امام در این کشور تشکیل داد و به وجود آورد، عبارت از این است که شکل زندگی این ملت، قالب و معنای اسلامی پیدا کند و جهتگیری، اسلامی باشد. این نظام اسلامی دارای یک ماده اصلی به نام «ایمان به خدا و غیب» و نیز دارای یک قالب و صورت به نام «شریعت اسلامی» است. چنین نظامی که با مایه ایمان و با صورت و قالب مقررات و شریعت اسلامی، یک نظام اختصاصی استثنایی ناشناخته برای بشر مادی، اما شناخته به وسیله مسلمانانی است که با اسلام و قرآن آشنا هستند، جز در صدر اسلام، دیگر در طول تاریخ وجود نداشته است، و امروز هم جز در ایران اسلامی در هیچ جای جهان وجود ندارد.

البته کسی امیدوار نبود که در این دوران بشود نظام اسلامی را پیاده کرد. هیچ کس تصور نمی کرد که با این همه دشمنی و مخالفت، کسی جرأت کند به سمت این راه برود، یا قدرت داشته باشد که این کار را انجام دهد. اما امام، این کار نشدنی را با قدرت ایمان و اراده و همت خود و به کمک تکیه به نفوس میلیونها دل مشتاق و عاشق انجام داد. بخش بارز و مشخص در این نظام، دستگاه سیاسی، یعنی دستگاه حکومت است، و اولین بخش در هر نظامی، همین بخش سیاسی است که شکل می گیرد. از همین جا می شود نظامها، مکتبها و هدفها را درست شناخت. امام بزرگوار ما، حکومتی تشکیل داد که در دنیای امروز، بلکه در طول تاریخ - غیر از موارد استثنایی از صدر اسلام تاکنون - بی نظیر است. این حکومت هدفی دارد که عبارت است از رسیدن به جامعه آرمانی اسلام که در بخش «برنامه» آن را عرض خواهم کرد. خصوصیات این حکومت این است که در نظامی که امام پدید آورد، اجزای دستگاه سیاسی دارای صلاحند. انسانهای صالحند. انسانهای مؤمنند؛ انسانهای پرهیزکار و دارای ورع و پاکدامنی. این را مقایسه کنید با دولتها و حکومتهایی که امروز مدعی رهبری بشریتند و ببینید چقدر فاصله هست!

در نظام اسلامی ای که امام پدید آورد، دستگاه سیاسی، یک دستگاه پاک و متشکل از انسانهایی است که دارای صلاحند؛ اهل دنیاطلبی نیستند و برای خود چیزی نمی خواهند. برای آنها هدف عبارت است از اسلام و احکام الهی و ماورای همه اینها، هدف عبارت است از رضای خداوند. نمونه کاملش، خود این بزرگمرد بود. مسؤولین نظام، به فضل پروردگار، در این سالیان پر تلاطم بعد از پیروزی انقلاب تا امروز، نشان دادند که همه از آن چهره منور نشانی دارند؛ حتی بعضی هم، بیش از آنچه که بشود توصیف کرد.

این که شما ببینید در دنیای امروز، برای یک رئیس جمهور، یا یک مسؤول قوه قضائیه، یا یک رئیس قوه مقننه و یا سرداران نظامی و فرماندهان میدان جنگی، نیازهای شخصی و هواها و هوسهای نفسانی، انگیزه حرکت نیست، موردی کم نظیر و بعضاً بی نظیر است. علاوه بر این، خصوصیت دیگر این دستگاه سیاسی، استقلال آن است. مسؤولین این دستگاه، زیر بار کسی نیستند؛ از هیچ قدرتی واهمه ندارند و فرمان قدرتمندان عالم را که مسلح و مجهز به ابزارهای زر و زورند، به هیچ می گیرند. این هم موردی کمیاب در عالم است.

در نظام جمهوری اسلامی، طبیعت قضیه همین است و همه به فضل پروردگار همین طورند. باز نمونه اعلی خود این بزرگمرد بود و دیگران هم، هر یک رشحه ای از این حقیقت را در وجود خود دارند. پس، این هم نظام دستگاه سیاسی، از نظام اسلامی ای که امام پدید آورد.

نقطه سوم برنامه است. برنامه نظام اسلامی هم، در میان برنامه هایی که مصلحان دنیا و دولتها و آورندگان پیامهای جدید مطرح می کنند، استثنایی است. در این برنامه، بازسازی دنیا و آخرت با هم است. نظام اسلامی می خواهد دنیای مردم را آباد سازد؛ اما نمی خواهد به آن اکتفا کند. دنیا و آخرت در نظام اسلامی و در برنامه این نظام، توأمند. انسانها باید زندگی را سرافراز و با رفاه بگذرانند؛ اما این رفاه و آسایش و هرچه که این آسایش را برای انسانها فراهم می کند، همه و همه مقدمه برای رضای الهی است. آنها ذی المقدمه است و هدف، کسب رضای پروردگار است. این، یک امر استثنایی در صحنه امروز عالم، بلکه در همیشه تاریخ - جز در حکومتهای انبیا و



جانشینان و اوصیای آنها - است. همه ادعا می کنند که می خواهند دنیای مردم را اصلاح کنند و غالباً هم نمی توانند. اما نظام اسلامی می خواهد دین و دنیا را اصلاح کند و می تواند هم. این قدرت را اسلام نشان داده است. اگر چشمان بانصاف، وضع کنونی کشور را هم نگاه کنند، این موضوع را تصدیق می کنند. امروز این ملت و این دولت و این کشوری که هشت سال جنگ را بر آن تحمیل و مسلط کردند؛ کارخانه هایش را خراب کردند؛ راهپایش را نابود کردند؛ محاصره اقتصادی اش کردند؛ امکانات را از او باز گرفتند؛ هیچ دولتی هیچ کمکی به او نکرد و از داخل به وسیله کارهای سیاسی و تبلیغاتی هم انواع فشارها را بر آن وارد آوردند، برنامه های بازسازی و بخصوص کارهای زیربنایی را چنان دنبال می کند که ناظران هم به تحسین می پردازند. کسانی که می آیند و می بینند، هم برنامه وهم مجریان برنامه را تحسین می کنند. اگر فشار دشمن نبود؛ اگر دستهای خائن و تحریک شده دشمن نبود؛ اگر حضور تبلیغاتی و اقتصادی و سیاسی دشمن در پشت مرزهای ما نبود، وضع ما به مراتب بهتر از این بود و بسیاری از مشکلاتی که امروز از لحاظ اقتصادی در کشور هست، وجود نداشت.

برنامه اسلامی، برنامه اداره و آبادسازی دنیا و آخرت است. برنامه های دیگر، به دین ملت و به آخرت انسانها کاری ندارند. برنامه اسلامی، تربیت و تهذیب می کند. امروز در کشور ما یک حرکت عمومی، بخصوص در میان جوانان، به سمت آموزش قرآن، فراگیری دین و عمل به احکام و مقررات اسلامی مشاهده می شود. این دیگر مال اهل دنیا نیست. اهل دنیا مدعی اند دنیای ملتها را درست می کنند که نمی توانند هم. اما اسلام دنیا و آخرت را مطمح نظر قرار می دهد و به فضل پروردگار می تواند هم. ملت نیز بر اثر اسلام، هم ایمانش، هم صبرش و هم آگاهی اش در میان ملت‌های عالم، استثنایی است. این مجموعه را که روی هم می گذارید، عمل صالح این مرد بزرگوار و این عبد صالح پروردگار می شود.

وضع تمرکز سیاسی عالم و هرم قدرت جهانی، می طلبد که ملتها و دولتها، همه اسیر و دنباله رو قدرت مرکزی باشند؛ که امروز قدرت امریکا و اقمار و همراهان آن هستند. خیلی از نظامها در این راه شکست خوردند و فرو گلتیدند. اما جمهوری اسلامی به برکت همین استقامت، در قضیه فلسطین سخن قاطعی را می گوید که دیگران حتی جرأت شنیدن آن را هم ندارند. آن سخن قاطع که ملت و دولت ایران بر آن متفق القولند، این است که «فلسطین کشوری متعلق به ملت فلسطین است و دولت صهیونیست، دولتی غاصب است و اصل آن دولت و نظام، مطلقاً مشروعیت ندارد.» بسیاری حتی جرأت نمی کنند این حرف را از گویندگان آن بشنوند! با این حساب، مذاکراتی که درباره فلسطین می شود، حرف مفتی بیش نیست و ارزش و اعتباری ندارد؛ چون به خلاف حق و اصول پذیرفته شده است.

عین همین نظر مستقل و حقگرا، در همه قضایای عالم، متعلق به ملت و دولت جمهوری اسلامی است. در قضیه مسلمانان بالکان، ما معتقدیم که فشار بر مسلمین بالکان به خاطر این است که نمی خواهند یک ملت و دولت مسلمان در اروپا شکل بگیرد. ترس از اسلام است. با این حساب، قدرتهای مسلط امروز عالم، حساب شده، از مسلمانان بوسنی هرزگوین حمایت نکردند. می فهمیدند چه کار می کنند. حساب شده، صربها را حمایت و کمک کردند. حساب شده، مانع شدند که ابزار و تجهیزات جنگی به مسلمین برسد.

این نظر دولت و ملت ماست که معنایش محکومیت قدرتهای مسلط امروز در قضیه بوسنی هرزگوین و مسائل بالکان است. در قضیه مسلمانان تازه استقلال یافته آسیای میانه، مسلمانان کشمیر، مسلمانان آذربایجان، مسلمانان در هر نقطه از آسیا و خاورمیانه و آفریقا، نظر دولت و ملت این است که حق همه آنهاست که بخواهند به شیوه اسلامی زندگی کنند؛ احکام شریعت اسلامی را در زندگی خودشان پیاده نمایند و کسی هم حق ندارد جلوشان را بگیرد. قدرتهای غربی به عنوان این که رویکرد به احکام شریعت اسلامی، بنیادگرایی است، حتی مانع از برگزاری انتخابات آزاد در بعضی از این کشورها می شوند. ما عقیده داریم که این دخالت و تصرف در کار ملت‌های مسلمان، ظالمانه و



ناحق است. مسلمانان حق دارند به شیوه اسلامی زندگی کنند و باید به آنها این فرصت را داد. دولت و ملت ایران، تجاوز صهیونیستها را در قضیه لبنان، محکوم می کنند؛ مبارزه با صهیونیستها را لازم می شمارند و قراردادهای باطل می دانند. اینها مواضع مستقل نظام و حکومت اسلامی است و همینها موجب می شود که هرم قدرت بین المللی، نظام جمهوری اسلامی را متهم کند. اتهاماتی که به ما می زند و اصلاً آنچه به عنوان اتهام مطرح می گردد، از این جا ناشی می شود. این نکته دوم، غالباً تحریف واقعیت است و در موارد متعدّد، اشاره به یک نقطه قوت در نظام جمهوری اسلامی است. مثلاً جمهوری اسلامی را به «بنیادگرایی» متهم می کنند و منظورشان از بنیادگرایی، تعصّب و تحجّر است. این در حقیقت همان تسلیم ناپذیری ملت و دولت ایران است. همین که در مقابل خواسته های غیرمنصفانه قدرتهای جهانی تسلیم نمی شوند، گفته می شود: «اینها متحجّرند.» نه؛ این موضع، موضع حق طلبانه یک ملت مسلمان است و به معنای تحجّر نیست. اگر بنیادگرایی به معنای احترام به اصول پذیرفته شده است، مقوله خوبی است، و همه به آن افتخار می کنند. اما اگر به معنای تحجّر و تعصّب است، دروغ است و تهمت به دولت و ملت ایران تلقی می شود.

مسأله دیگر این است که به جمهوری اسلامی تهمت می زند و می گویند حقوق بشر را رعایت نمی کند. مقصود آنها همان اجرای حدود اسلامی است؛ چون ما حدود اسلامی را اجرا می کنیم. قرآن می گوید: «و تلک حدود اللّٰه و من یتعدّٰ حدود اللّٰه؛» هر کس از حدود الهی تعدّی کند، مورد تهدید پروردگار قرار گرفته است.

حدود، حدود الهی است. ما نصّ قرآن و متن آن را بر فراورده های ذهن قاصر حقوقدانان غربی که برای خودشان معارفی را خلق و اختراع کردند و آن را پیشرفته تر از معارف ادیان الهی می دانند، مقدّم می شماریم. حدود الهی مقدّم است. راه اصلاح جامعه، اجرای حدود الهی است. ممکن است ما در این مورد کوتاهیهای داشته باشیم؛ اما حرکتمان قطعاً به سمت اجرای کامل حدود پروردگار است. حدود، حدود قرآنی است. این هم نکته دوم.

نکته آخر این است که راه ما - همان طور که این مرد بزرگ برایمان ترسیم کرده است - راه استقامت و پیگیری هدفهای نظام اسلامی است. طبق درسهای امام بزرگوارمان و طبق وصیّت او، راه این ملت همین است. برادران و خواهران عزیز من در سراسر کشور توجّه کنند که راه خوشبختی ملت ایران، تمسّک به احکام اسلامی و الهی است. راه خوشبختی ملت ایران، تکیه به خود و تواناییها و استعدادهای خود است. راه خوشبختی این ملت، قطع امید از قدرتهای مسلط جهانی و نیز نترسیدن از آنهاست. نه از آنها اندکی بترسید و نه به آنها سرسوزنی امید بورزید.

عزیزان من! بزرگترین هدیه ای که انقلاب اسلامی به این ملت داده است، این است که شرّ حکومتهای فاسد و وابسته را که سالیان و سالیان بر این کشور و ملت و این مواهب الهی مسلط شده بودند، از سراسر این ملت و این کشور کم کرده است. امروز به فضل پروردگار، اداره کنندگان کشور، از خود این مردمند. امروز به همّت و هوشیاری این ملت، بهترین شکل حکومت مردمی و دخالت آراء مردم در این کشور است. البته دشمن در تبلیغات خود، این را منکر می شود و باید هم بشود. از دشمن چه انتظاری است؟! این جا، مردم با معیارهای مورد اعتقاد خودشان که همان معیارهای اسلامی است، انسانی را برای اداره امور اجرایی کشور و انسانهایی را برای قانونگذاری و هدایت مجریان انتخاب می کنند؛ آن هم با کمال آزادی و با تکیه به ایمان. این همان نکته استثنایی است. اگر در کشورهای معروف امروز عالم که ادعای دموکراسی دارند، دعوای احزاب و تعصّبات حزبی و کشمکشهای گوناگون سیاسی، انگیزه رأی دادن است، در ایران اسلامی و در این کشور سربلند و سرافراز، انگیزه رأی دادن فقط ایمان و تشخیص ارزشهای الهی و اسلامی است. این ارزش دارد. این اهمیت دارد. و این امروز هست.

من در دنیا هیچ کشوری را سراغ ندارم که در آن علقه عاطفی و رابطه قلبی میان ملت و مسؤولین، مانند ایران باشد. ملت، مسؤولین را دوست می دارد؛ مسؤولین هم ملت را با همه وجود دوست می دارند و خود را خدمتگزار او می دانند. این ملت است و این احساساتش. تبلیغات دشمن، هرچه می خواهد بگوید. در سالهای آخر زندگی بابرکت



امام، دشمن تبلیغ می کرد که گویا راه امام، از نظر مردم راه متروکی است! اما بدرقه ای که مردم از جسد این بزرگمرد کردند، باشکوهتر از استقبالی بود که از خود ایشان در هنگام ورود فاتحانه به تهران کردند. این است علقه و ارتباط میان ملت و دولت. این امام، این نظام، این دستگاه سیاسی، این برنامه و این هم ملت. همه استثنایی و همه از جهات مختلف، در دنیا منحصر به فرد.

آنچه که من در آخرین جمله عرایض می خواهم بگویم، این است که هم ملت ایران و هم مسؤولین کشور، باید این خصوصیات را با همه وجود و قدرت حفظ کنند. دولت و ملت، راه خدا و راه اسلام را حفظ کنند. مسؤولین کشور مردم را لحظه ای فراموش نکنند. در خلال حرکت عظیم برنامه بازسازی، قشرهای مستضعف مورد توجه دقیق قرار گیرند. مجلس شورای اسلامی قانون بگذرانند؛ دولت اجرا کند و دستگاه قضایی با همه وجود ناظر بر اجرای آن قانون باشد. ملت هم، این راه را - راه اسلام، راه قرآن، راه دین خدا و راهی را که امام بزرگوار در پیش پای ما گذاشته است - با قدرت و شجاعت پی گیرد.

بنده مجدداً به همه آحاد ملت عزیزمان و به شما حضار محترم و میهمانان عزیز، این سالگرد غم انگیز و یادآور خاطره تلخ را تسلیت می گویم.

امروز روز «مباهله» هم هست. تقارن سالگرد با روز مباهله، ایجاب می کند که ما بیشتر علو مقام این مرد بزرگ را از خداوند بخواهیم. چون روز تضرع و دعاست، توجه و توسل و تمسک به تفضلات الهی را هرچه ممکن است بیشتر کنیم. به میهمانان عزیزی هم که از خارج کشور و یا از شهرستانهای دیگر به تهران آمده اند، بخصوص تسلیت می گویم. امیدوارم که همه از این مناسبت و این مراسم، بیشترین بهره معنوی را ببریم.

چند دعا می کنم و ان شاءالله با توجه، اینها را از خدا بخواهیم:

پروردگارا! به محمد و آل محمد علیهم السلام، حال امت اسلامی را اصلاح فرما.

پروردگارا! آرزوی امام بزرگوار را در مورد عالم اسلام، جامه عمل بپوشان، گامهایی ما را در این راه استوار بدار! ملت ایران را به هدفهای والای خود برسان و دشمنان این ملت را مغلوب و منکوب فرما!

پروردگارا! دلهای این مردم را همچنان که تا امروز با یکدیگر مهربان بوده است، روزبه روز مهربانتر کن.

پروردگارا! دست ما را از قرآن کوتاه مکن، دست ما را از دامان اهل بیت پیغمبر عظیم الشان علیهم الصلوة والسلام، کوتاه مکن.

پروردگارا! قلب مقدس بقیةالله و ولی الله الاعظم ارواحناده را از ما خشنود کن.

پروردگارا! ما را از سربازان و پیروان و یاران آن بزرگوار، در حضور و غیبتش قرار بده.

پروردگارا! روح مقدس امام را متعالی فرما و از هر حسنه ای که از هر یک از آحاد ملت ایران سر می زند، آن بزرگوار را برخوردار و در آن سهم فرما. ما را بندگان خالص و صالح خودت قرار بده. آنچه گفتیم و شنیدیم و انجام دادیم، برای خودت و در راه خودت قرار بده و آن را به کرمات از ما قبول کن.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته.